



## **Research Article** **The Validation of the Fear of Difficulty in the Permission of Abortion Therapy**

**Reza Poursadghi<sup>1</sup>**

Received: 20/02/2022

Accepted: 06/07/2022

### **Abstract**

The issue of "validation of the fear of difficulty as a way of difficulty as being Shar'ei (religiously legal)" is one of the issues that have resulted in important jurisprudential works. However, there is no detailed discussion about it in jurisprudential sources. One of the cases where this question is fundamentally raised today is the permissibility of abortion under the premise of fear of difficulty. The question that this paper tries to answer is whether the fear of difficulty is the fulfillment of the duty, and therefore abortion is permissible, or the flow of the rule necessarily requires the actual realization of difficulty and abortion is not permissible. The research method is analytical-critical and from library sources. The existing study shows that there are two views on the issue, and the supporters of each have various reliable reasons to prove their point of view. However, after examining and adjusting, for them, the reasons are that in the

---

1. Researcher of Forensic Jurisprudence Studies Center and professor at Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran. rezapoorsadghi@gmail.com.

---

\* Poursadeghi, R. (1401 AP). The Validation of the Fear of Difficulty in the Permission of Abortion Therapy. *Journal of Fiqh*, 29(110), pp.74-96. Doi: 10.22081/jf.2022.63177.2447.

---

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

assumption of fear of difficulty, despite narrative and confirmative arguments for validity of the rule of difficulty in the assumption of fear, there are no reasons for its invalidity. Due to the existence of the principle of caution in the blood after the birth of the soul, there is no possibility of abortion in the assumption of fear of difficulty caused by the abnormality of the fetus, and caution should be taken but before the soul is released, despite the fear of the realization of difficulty, the rule of current difficulty and medical abortion is permissible.

**Keywords**

Hardship and Difficulty, fear and hardship, abortion, therapy, permission of abortion.

### مقاله پژوهشی

## اعتبارسنجی خوف حرج در جواز سقط درمانی

رضا پورصدقی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

### چکیده

مسئله «اعتبارسنجی خوف حرج به‌مثابه طریق شرعی بودن برای حرج» از مسائلی است که آثار فقهی مهمی بر آن مترتب است. با این حال در منابع فقهی بحث مفصلی درباره آن صورت نگرفته است. از مواردی که امروزه به‌صورت اساسی این پرسش درباره آن مطرح است، جواز سقط در فرض خوف حرج است؛ اینکه خوف حرج، رافع تکلیف بوده، و در نتیجه سقط جایز است یا جریان قاعده لزوماً نیازمند تحقق فعلی حرج بوده و سقط فاقد مجوز است، پرسشی است که این نوشتار درصدد پاسخ به آن است. شیوه تحقیق، تحلیلی-انتقادی و از منابع کتابخانه‌ای است. مطالعه موجود نشان می‌دهد دو دیدگاه در مسئله وجود دارد که طرفداران هر یک دلایل گوناگون قابل‌اتکایی برای اثبات دیدگاه خود دارند، اما پس از جرح و تعدیل، براین دلایل این است که در فرض خوف حرج، با وجود دلایل روایی و مؤیدات گوناگون بر اعتبار قاعده حرج در فرض خوف، نوبت به دلایل عدم‌اعتبار نمی‌رسد، اما به‌دلیل وجود اصل احتیاط در دماء پس از ولوج روح، امکان سقط در فرض خوف از حرج ناشی از ناهنجاری جنین وجود ندارد و باید احتیاط کرد، ولی قبل از ولوج روح، با وجود خوف از تحقق حرج، قاعده حرج جاری و سقط درمانی جایز است.

### کلیدواژه‌ها

عسر و حرج، خوف حرج، سقط درمانی، جواز سقط.

۱. پژوهشگر مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی و استاد حوزه علمیه قم، ایران. rezapoursedghi@gmail.com

\* پورصدقی، رضا. (۱۴۰۱). اعتبارسنجی خوف حرج در جواز سقط درمانی. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه،

Doi: 10.22081/jf.2022.63177.2447

صص ۷۴-۹۶.

## مقدمه

قاعده حرج از قواعد پر کاربرد فقهی و اصولی استنباط است. قاعده‌ای که در آیات و روایات مستندات گوناگونی برای آن موجود است. طبق این قاعده، حکمی که موجب مشقت شدید است از عهده مکلف رفع می‌گردد.

این قاعده امروزه با بحث‌های مهم و کاربردی گوناگونی از جمله چیستی حرج، اعتبار قاعده، و حدود و ثغور قاعده مواجه است. یکی از جنبه‌های مهم این قاعده که در بحث‌های حقوقی و فقهی مبتلابه جامعه از آن پرسش می‌شود، این است که «آیا قاعده حرج در موارد خوف حرج موجب رفع تکلیف است؟»؛ یعنی در مواردی که انسان احتمال قابل‌اعتنایی به تحقق حرج می‌دهد، تکلیف را رفع می‌کند یا خیر. برای مثال، در صورتی که انجام تکلیف حج، احتمال قابل‌اعتنا برای تحقق حرج در آینده ایجاد کند، آیا این احتمال رافع تکلیف حج است؟ از دیگر موارد مبتلابه این مسئله بحث جواز سقط جنین است.

طبق دیدگاه مشهور فقها (برای نمونه: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۳)، حرج مادر که ناشی از نارسایی جنین باشد، با شرایطی موجب جواز سقط می‌گردد. در موارد سقط درمانی حرج نوعاً بالفعل نیست، بلکه مادر به واسطه داده‌های پزشکی دچار خوف از تحقق حرج است. دلیل عدم قطعیت در تحقق حرج در آینده ناشی از روشن نبودن وضعیت دقیق فرزند پس از تولد است. ناهنجاری‌های کروموزومی در جنین، اطلاع دقیقی از وضعیت ناهنجار جنین در اختیار قرار نمی‌دهد و به صورت قطعی و یقینی نمی‌توان درباره وضعیت فرزند متولد شده و مقدار ناهنجاری آن اطلاع به دست آورد، در نتیجه والدین درباره تحقق یا عدم تحقق حرج در آینده فرزند خود قطعیت پیدا نکرده و متحیر می‌مانند.

در چنین وضعیتی که نشانه‌های قابل‌اعتنایی بر وقوع حرج برای والدین (به خصوص مادر که موضوع حکم شرعی حرمت سقط است) وجود دارد، حکم جواز سقط ناشی از جریان قاعده حرج در فرض خوف است که محل پرسش این پژوهش است؛ البته در ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ مقرر گردیده که قاضی با حصول اطمینان

از رضایت مادر، وجود حرج (مشقت شدید غیرقابل تحمل) برای مادر، وجود قطعی ناهنجاری‌های جنینی غیرقابل درمان و... اقدام به صدور مجوز سقط کند. طبق این ماده، از شرایط جواز سقط جنین دارای ناهنجاری، احراز قطعی وجود حرج برای مادر است، بنابراین به مجرد خوف حرج نمی‌توان اقدام به سقط کرد، ولی درستی چنین شرطی با توجه به گزاره‌های شرعی و همچنین با توجه به این نکته که سخت‌گیری بیش از حد موجب ازدیاد سقط‌های غیرقانونی می‌گردد، محل تأمل و پرسش جدی است. این نکته مهم را نیز باید مدنظر قرار داد که به فرموده رسول گرامی اسلام «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَّذَ بِرُحْمِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَّذَ بِعِزَائِمِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۸). بر این اساس در نزد خداوند متعال عمل به تکالیف و آزادی‌های داده‌شده به یک میزان محبوب است و قانون‌گذار باید درباره هر دو اهتمام داشته باشد.

در مواردی که انسان خوف از وقوع حادثه‌ای دارد که منجر به حرج می‌گردد، شخص در زمان فعلی دچار حرج نیست، بلکه در آینده احتمال معتابه وقوع حادثه حرجی می‌دهد؛ مثال‌های مختلفی در فرض این مسئله مطرح شده است؛ مانند خوف از حیوان درنده، دزد، آبرو، از بین رفتن مال و... (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۲). همچنین در بحث خوف از بیماری یا شدت گرفتن بیماری برای کسی که روزه می‌گیرد نیز بحث خوف حرج مطرح شده و فقها به دلیل حرج و دلایل دیگری مانند لاضرر، به عدم وجوب روزه فتوا داده‌اند (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۰). در موضوع حج نیز بحث خوف حرج در موارد مختلفی مطرح شده و در آنها نوعاً فتوا به رفع تکلیف می‌دهند، ولی باید توجه داشت که برخی از این موارد مانند برخی مسائل حج ربطی به بحث جریان حرج در فرض خوف ندارد، زیرا اساساً رفع تکلیف ناشی از قاعده حرج نیست، بلکه به دلیل محرز نشدن استطاعت، حکم وجوب حج فعلیت نمی‌یابد. با این حال در برخی از فروع حج این بحث مطرح است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۲۹۴).

قاعده حرج در کتاب‌های مختلف به صورت کلی و گاه تفصیلی موضوع بحث بوده است (برای نمونه ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۷)، ولی به مسئله «خوف حرج» فقط اشاره

شده است. البته در برخی موارد ممکن است خود عنوان «خوف» انسان را به حرج مبتلا کند (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۵۱) که در این صورت چون خود خوف عنوان حرج را بالفعل محقق کرده، از محل بحث خارج است، مانند مادری که از شنیدن خبر نقصان جنین در مضيقه روحی شدید قرار گرفته است؛ طوری که ادامه بارداری به صورت بالفعل او را در حالت حرج قرار داده است.

اعتبار قاعده حرج در فرض خوف، در ابواب مختلف فقهی نقش دارد و نبود تحقیق مفصل و جامع در این موضوع و مبتلا به بودن موارد آن در مسائل مستحدثه، به خصوص در بحث سقط درمانی، شاهدهی بر ضرورت این بحث است.

تحقیق حاضر، این موضوع را به روش تحلیلی-انتقادی و از منابع کتابخانه‌ای مطالعه و بررسی کرده است. ساختار این پژوهش چنین است که نخست مفاهیم کلی بحث را بررسی کرده و با بررسی دلایل دیدگاه‌های موجود ادامه یافته و در نهایت با ارزیابی ادله، نتیجه‌گیری شده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی حرج

### الف. معنای لغوی

این واژه به صورت «حَرَج» به معنای گناه به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۵) که در عباراتی چون «لا حرج علیک» (بر تو گناهی نیست) کاربرد بیشتری دارد. همچنین به معنای سریری (تختی) که میت را بر روی آن حمل می‌کنند، محل جمع درختان و مکان ضیق نیز به کار می‌رود (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۲۱).

کتاب العین، حرج را به صورت «حَرَج و حَرَج» به معنای ضیق صدر معنا کرده و برای آن مثالی از یک شعر آورده، با این عنوان که «لا حَرَج الصدر، ولا عینف» که در این مثال، مضاف‌الیه قرار گرفتن «صدر» این احتمال را ایجاد می‌کند که در معنای گفته شده «صدر» جزو معنای حرج نیست. این کتاب در ادامه نیز تصریح می‌کند که «قد حرج صدره أی ضاق ولا ینشرح» که شاهد دیگری بر این مطلب است که حرج به تنهایی

معنایی بیش از ضیق ندارد و به تعدد دال (حرج و صدر) معنای ضیق صدر از حرج استفاده شده است. در آیه ۱۲۵ سوره انعام که می‌فرماید: «يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا» نیز به همین صورت است. در کتاب‌های دیگر لغت نیز حرج به معنای ضیق آمده است (برای نمونه: صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۰۰). جوهری در مقام بیان معنای ماده «حرج» می‌نویسد: مکان حرج یعنی مکان تنگ و پردرختی که گله گوسفند به آن دسترسی ندارد (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۵).

با توجه به آنچه از کتاب‌های لغت بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که حرج به معنای وضعیتی است که عبور از آن با دشواری همراه است.

### ب. معنای اصطلاحی

جواهر الکلام حرج را مشتقی معنا کرده که عادتاً تحمل نمی‌شود، اگرچه کمتر از طاق باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۹۸). این تعریفی است که مشهور از آن پیروی کرده و معنای رایج حرج در بین فقها است. کلیدواژه تعریف فقها از حرج «عدم تحمل عادتاً» است و غالب فقها حرج را با همین عبارت تعریف کرده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۲۵؛ آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۸۹؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۴۵؛ شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۸۶؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۹۵؛ سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۵).

### ۲. آراء فقها در خصوص حجیت خوف حرج

درباره اعتبار قاعده حرج در فرض خوف، و رافعیت و عدم رافعیت خوف حرج، دو نظریه شکل گرفته است:

نظریه اول: قاعده حرج در فرض خوف، حجت و در نتیجه رافع تکلیف است (حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۹؛ شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۸۸)؛ همان‌گونه که در ضرر، خوف رافع حکم است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۲).

نظریه دوم: فقط حرج فعلی و قطعی ملاک قاعده حرج است (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۳۳؛ قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۲۶؛ روحانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۹).

## ۱-۲. نظریه حجیت قاعده حرج در فرض خوف حرج

بنابر دیدگاه «شمول اعتبار قاعده حرج بر خوف حرج» با وجود احتمال شایان توجه عقلایی بر تحقق حرج، بر اساس قاعده حرج، تکلیف از دوش مکلف برداشته می‌شود. چنین دیدگاهی می‌تواند بر چند دلیل استوار باشد که در ادامه آنها را بررسی می‌کنیم.

### ۱-۱-۲. اجماع

برخی از فقها بر اعتبار قاعده حرج در فرض خوف تحقق حرج ادعای اجماع کرده‌اند. مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: سبب سوم بر تیمم، خوف بر نفس یا مال یا قتل یا جراحت یا اذیتی است که عادتاً تحمل نمی‌گردد، و بر آن مخالفی نیافتیم؛ بلکه بر آن حکایت اجماع شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۲). وی در ادامه از کتاب‌های غنیه، معتبر، منتهی، کشف‌اللاثام و مدارک نقل اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۲). وجود فتاوی‌ای فقها در ابواب گوناگون فقهی مؤید این ادعا است؛ چراکه فقها در موارد خوف حرج به قاعده حرج تمسک کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق الف، ج ۱، ص ۱۵۲؛ خوانساری، بی‌تا، ص ۱۴۰؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۸۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۶۶؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۰۴).

### ۲-۱-۲. روایات

برخی از روایات، در فرض خوف از حرج و ضرر، حکم به رفع تکلیف کرده‌اند. روایات خوف از سرمای برف (طوسی، ۱۴۰۷ق ب، ج ۱، ص ۳۶۲)، خوف از کمی آب (طوسی، ۱۴۰۷ق ب، ج ۱، ص ۴۰۵)، خوف از عطش (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۵)، خوف از سرمای شدید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۷)، خوف از دست‌رفتن وقت نماز (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۲؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۲) منحصر در موارد خاصی است، ولی از باب الغای خصوصیت، به موارد دیگر نیز تعمیم می‌یابد. این روایات اختصاص به خوف از حرج ندارد، ولی براین مباد آنها این است که شارع مقدس خوف را طریقی شرعی بر تحقق حرج و ضرر قرار داده و بنابر این روایات، در فرض تحقق خوف، قاعده حرج جاری است. برخی از فقها چنین



برداشتی از این روایات داشته‌اند (قائینی، بی تا).

تحقق حرج بالفعل در این روایات در فرض خوف اگرچه محتمل است، ولی ترک استفصال از سوی معصوم دال بر اطلاق در این روایات است (فائزی و نهاوندی، ۱۳۹۹، ص ۹).

### ۲-۱-۳. الغای خصوصیت از ادله قاعده لاضرر

برخی از فقها خوف از حرج را مانند خوف از ضرر که طریق کشف ضرر شمرده می‌شود، طریق دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۱۸؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۲۷؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۰؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۹۰) و بعید نیست که الغای خصوصیت از دلایل قاعده لاضرر دلیل مبنای آنها باشد. بسیاری از فقها - و چه بسا همه فقها - خوف را طریق شرعی برای موضوع ضرر می‌دانند (برای نمونه: طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۴؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۴). توجه چنین برداشتی مبتنی بر این نکته است که ضرر و حرج، هر دو از عناوین ثانوی بوده و ویژگی خاصی در ضرر برای طریق شرعی بودن خوف وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان چنین استمراج کرد که در حرج نیز به همین شکل است.

### ۲-۱-۴. صدق حرج

برخی از فقها در موارد خوف به قاعده حرج استناد کرده‌اند. شیخ طوسی با استناد به قاعده حرج، در موارد خوف از شدت گرفتن بیماری به سبب استعمال آب برای وضو، حکم به تیمم کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق الف، ج ۱، ص ۱۵۲) و مرحوم آیت الله خوئی با این بیان که الزام به تکلیف در فرض خوف برای مکلف موجب عسر و حرج است، به قاعده نفی عسر و حرج تمسک کرده است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۱۱۲). تأکید ایشان بر چنین دیدگاهی با نفی چنین استدلالی بر خوف ضرر، از نکات جالب توجه است. فقهای دیگری نیز در فرض خوف امر حرجی، دلیل رفع حکم را قاعده حرج دانسته‌اند (اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۷۳؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۳).

## ۲-۱-۵. حکم عقل به دفع تکلیف محتمل به غیرمقدور

دلیل دیگر در مسئله، حکم عقل به دفع تکلیف محتملی است که در صورت وقوع برای انسان، خارج از طاقت است. بر اساس این استدلال همان گونه که تکلیف قطعی به غیرمقدور عقلاً امری قبیح شمرده می شود، امر محتمل آن نیز قبیح است؛ زیرا از نظر مناط فرقی بین این دو نیست. چگونه می توان پذیرفت مولای حکیم عبد را بر سر دوراهی، به مسیری وادار سازد که احتمال وقوع مشکلی بیش از طاقت او یا بدون امکان بازگشت از آن است؟

## ۲-۱-۶. عدم امکان تمسک به عام در فرض شبهه خاص

از قواعد مهم استنباط در فقه، ممکن نبودن تمسک به دلیل عام در فرض وجود شبهه در دلیل خاص است (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۶۶؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۹؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۱). بر اساس این قاعده، در مصداقی که مشخص نیست ذیل عنوان دلیل عام قرار می گیرد یا دلیل خاص، امکان استناد به هیچ یک از دو دلیل وجود ندارد. این قاعده در مسئله مورد گفت و گو قابل تطبیق است؛ به این شکل که دلیل حرج به عنوان دلیل مخصص یا دلیل حاکم بر دلایل اولیه احکام شمرده می شود و چون دایره شمول آن به خوف حرج مشخص نیست، تمسک به دلیل عنوان اولیه را با چالش روبه رو می سازد. برای مثال، بنابر دلیل حرمت سقط، به صورت کلی سقط حرام است و از سوی دیگر قاعده حرج رافع تکلیف است. در وضعیت خوف حرج، مکلف با این ابهام روبه رو است که وی مکلف به دلیل کلی حرمت سقط است یا در ذیل دلیل خاص که همان دلیل حرج است، قرار می گیرد؟ چنین تردیدی می تواند مانع از تمسک به دلیل عام گردد. در این وضعیت نمی توان با تمسک به دلیل عنوان اولیه، شخص را ملزم به امثال آن دانست؛ همان گونه که امکان مراجعه به دلیل نفی حرج نیز وجود ندارد. در نتیجه، این مورد تحت هیچ یک از دو دلیل قرار نمی گیرد و باید به قواعد عام دیگری مراجعه شود که در مسئله سقط، قبل از ولوج روح، اصل برائت و بعد از ولوج روح، اصل احتیاط در دماء مستند حکم خواهد بود.

## ۲-۲. نظریه ملاک بودن حرج فعلی

بنابر دیدگاه «اعتبار فعلی بودن حرج» در قاعده حرج، به صرف احتمال تحقق حرج - هرچند احتمال شایان توجه - امکان تمسک به قاعده حرج نیست. چنین نظریه‌ای می‌تواند بر چند دلیل استوار باشد که در ادامه بررسی خواهد شد.

### ۲-۲-۱. ظهور ادله

چنان‌که مشهور است، ظهور عناوین و قضایا در دلایل احکام، فعلیت است و تا زمانی که عنوان به فعلیت نرسیده، نمی‌توان به آن دلیل تمسک جست (میلانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۳؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۶؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۳۴۶). بنابراین فعلیت حکم حرج، یعنی رافعیّت تکلیف، وابسته به تحقق موضوع است؛ یعنی تحقق بالفعل حرج. در نتیجه بنابر دلایل قاعده حرج مانند آیه «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مانده، ۶) و آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»<sup>۱</sup> (حج، ۷۸) و آیه ۵۰ سوره احزاب، جعل عنوان حرج در شریعت نفی شده است، نه احتمال حرج. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، برخی با عنایت به چنین استدلالی جریان قاعده نفی حرج را منوط به حصول حرج در فرض خوف دانسته‌اند. (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۳۳).

### ۲-۲-۲. استصحاب عدم تحقق حرج

خوف حرج در فرضی متصور است که تحقق یا عدم تحقق حرج یقینی نیست، ولی وقوع آن بسیار محتمل است و این یعنی شک و تردید در تحقق حرج، و با توجه به حالت سابق عدمی حرج، ارکان استصحاب برای اصل عدم تحقق حرج تمام است. بنابراین اقتضای جریان استصحاب استقبالی، احراز تعبدی عدم تحقق حرج در آینده است.

۱. و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید. او شما را برگزید و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

### ۳. ارزیابی آراء فقها در زمینه حجیت خوف حرج

پس از آشنایی با آراء فقها و ادله آنها به بررسی و ارزیابی آنها می پردازیم.

#### ۱-۳. نقد ادله نظریه حجیت قاعده در فرض خوف حرج

مناسب است هر یک از ادله ذکر شده برای نظریه حجیت قاعده نفی حرج در فرض خوف، به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرد.

#### ۱-۱-۳. نقد دلیل اجماع

با وجود دلایل دیگر در مسئله، دلیل اجماع حتی با فرض تحقق اجماع، مدرکی یا محتمل‌المدرکی تلقی می‌گردد. علاوه بر این، درجه اعتبار اجماع منقول در حد اجماع محصل نیست. البته نقل اجماع از سوی بزرگان فقاهاست کاشف از وجود بسیاری از فقهای هم‌نظر در یک مسئله است و این حاکی از وجود ارتکاز یا دلیلی دالّ بر چنین دیدگاهی در نزد آنها است؛ البته با این وصف نمی‌تواند به‌عنوان یک دلیل مستقل قلمداد گردد، ولی مؤیدی قوی و قابل‌اعتنا برای این دیدگاه به شمار می‌آید.

#### ۲-۱-۳. نقد روایات

در روایات، خوف از تحقق امر منجر به حرج، از دیدگاه معصومان موجب رفع حکم است. دلالت این روایات در مواردی که شخص خوف از جان خود دارد، قطعی است و شکی نیست که در موارد خوف جان، حکم مرتفع می‌گردد، ولی برای درجات پایین‌تر حرج نیازمند تأمل است. چه‌بسا مواردی که خوف از مشقتی فراتر از حد طاقت نیز به خوف از جان ملحق گردد. این امر موافق دلیل عقل در تقبیح تکلیفی است که احتمال دارد در آینده وضعیت طاقت‌فرسایی به وجود آورد.

ممکن است اشکال شود که در روایات، خوف از سرما برای وضو موجب رفع تکلیف شده و اطلاق آن شامل مطلق هر گونه خوفی، اعم از جان، حرج فوق طاقت و حرج عادی می‌گردد و بر این اساس، خوف از هر گونه حرجی موجب رفع تکلیف

است؛ ولی با توجه به اینکه موضوع این روایات وضو است، تعمیم آن به سایر موارد مشکل است، زیرا این احتمال وجود دارد که شارع مقدس در باب طهارت بنای بر تسهیل داشته و خوف را به عنوان یکی از طرق به شمار آورده است.

ولی با توجه به اینکه بین باب وضو و ابواب دیگر در بحث خوف از ضرر، تفصیل داده نشده است، احتمال تعمیم اطلاق به همه ابواب تقویت می‌گردد. این احتمال با لحاظ کلمات فقها بر شباهت ادله حرج و لاضرر تأکید می‌گردد (برای نمونه: آشتیانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۳۹؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۱۲).

### ۳-۱-۳. نقد الغای خصوصیت از ادله قاعده لا ضرر

خوف در قاعده لا ضرر از طرق معتبر برای احراز تحقق ضرر به شمار آمده است. احتمال وجود خصوصیتی ویژه در ضرر که حرج فاقد آن باشد بعید به نظر می‌رسد، ولی ممکن است با طرح چنین احتمالی در استدلال مذکور خدشه وارد آید؛ همان گونه که در کلمات برخی میان دلایل ضرر و حرج فرق گذاشته شده است (بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۲۶؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۴)، ولی به نظر می‌رسد ادعای تفاوت داشتن این دو دلیل تنها به لحاظ رخصت یا عزیمت بودن این دو قاعده است. بنابراین دلیل الغای خصوصیت از درجه اعتبار خوبی برای اثبات مدعا برخوردار است.

### ۳-۱-۴. نقد دلیل صدق حرج

صدق حرج در فرض خوف از تحقق آن قطعاً دلیل رفع حکم است، ولی تحقق آن بسته به خصوصیات هر مورد و شخص مکلف متفاوت است. درصد خوف و شدت حرجی که ممکن است به وجود آید، در تحقق حرج فعلی تأثیرگذار است، ولی نمی‌توان ادعای تحقق حرج در تمام موارد خوف کرد. بر این اساس، برخی آن را به عرف و عقلا موکول کرده و گفته‌اند: اگر خوف به اندازه‌ای باشد که الزام مکلف موجب حرج وی است، مشمول قاعده نفی عسر و حرج خواهد بود (آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۶۶).

### ۳-۱-۵. نقد حکم عقل به دفع تکلیف محتمل به غیرمقدور

استدلال به حکم عقل به دفع تکلیف محتمل، با فرض پذیرش آن، به موارد فوق طاققت انسان اختصاص دارد؛ درحالی که بحث حرج اعم از آن است. با توجه به این نقد، دلیل پنجم اخص از مدعا خواهد بود. ممکن است این دلیل عقلی در نزد عرف قرینه‌ای تلقی گردد که منجر به تعمیم دلایل حرج به مطلق خوف از حرج گردد؛ به این بیان که هرگاه عرف تحت اشراف عقل، خوف از مشقت فوق طاققت را از موارد حرج می‌بیند، همین نکته را در مطلق حرج استظهار می‌کند. در این صورت، تسری قاعده حرج از موارد فوق طاققت به موارد خوف موجب تسری آن به موارد خوف حرج می‌شود. به بیان دیگر، تبعیض در موارد قاعده حرج، بین مشقت‌های فوق طاققت و غیر آن عرفی نیست و با توجه به این نکته عقلی، بعید است مولای حکیم مکلف را به امری که ممکن است شخص را وارد حرج می‌کند، وادار سازد؛ بنابراین عرف بین موارد فوق طاققت و حرج عادی تفاوتی نمی‌بیند.

همان‌گونه که مشهود است، این استدلال مبتنی بر برهان عقلی نیست، بلکه وابسته به فهم و استظهارات عرفی است و در صورت نپذیرفتن، نکته عقلی مذکور مؤیدی برای این دیدگاه است.

### ۳-۱-۶. نقد دلیل عدم امکان تمسک به عام در فرض شبهه خاص

از آنجا که مشهور بزرگان فقه و اصول، ممکن نبودن تمسک به عام در فرض شبهه خاص را منحصر در شبهه مصداقیه خاص و همچنین مخصص متصل می‌دانند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص ۳۱۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۰۵؛ قمی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۵). بنابراین تمسک به این قاعده، با این مبنا امکان‌پذیر نیست و مانعی برای تمسک به عام در فرض مخصص منفصل وجود ندارد.

با این حال باید در نظر داشت که مخصص بودن قاعده حرج، به معنای رافع حکم بودن نیست، بلکه حقیقت آن دفع حکم و به عبارت دیگر، نفی جعل حکم است و به همین دلیل در فرض شبهه دلیل حرج، در جعل حکم عنوان اولیه تردید به وجود می‌آید و

قابلیت تمسک به دلیل از بین می‌رود، و بنابر همه مبانی، شبهه صدقیه موارد حرج، به دلایل عناوین اولیه سرایت می‌کند.

توضیح بیشتر مطلب اینکه در بین عام و خاص، برداشت عرف چنین است که عام قاعده‌ای کلی است که شامل همه موارد شده، و خاص مواردی را از آن خارج می‌سازد، و در مصداقی از دلیل عام که مشمول خاص نیست یا مشمول بودن آن مردد است، به عام رجوع می‌گردد. بنابراین در شبهه مفهومیه خاص، به دلیل ابهام در ظهور، تعارضی با دلیل عام و در نتیجه، مانعی برای تمسک به عام شکل نمی‌گیرد. با این حال اگر لسان دلیل خاص، نفی عمومیت دلیل عام باشد، قابلیت تمسک به عام حتی در شبهه مفهومیه نیز از بین می‌رود؛ زیرا براینکه آن این است که در موارد خاص عمومیتی اراده نشده است. در این صورت در موارد شبهه مفهومیه خاص، عمومیت دلیل برای مورد مشکوک در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت و مانع تمسک به آن خواهد شد. در چنین وضعیتی، شبهه مفهومیه همانند شبهه مصداقیه به عام سرایت می‌کند. از آنجاکه در لسان آیات و روایات، قاعده حرج نفی جعل است و این به معنای عدم عمومیت ادله اولیه در موارد حرج است، بنابراین در همه موارد شبهات قاعده حرج امکان تمسک به دلیل عنوان اولیه از بین می‌رود.

با پذیرش این استدلال، درباره خوف حرج، نه به قاعده حرج می‌توان تمسک کرد، نه به دلیل عنوان اولیه. در نتیجه، اصل براءت و اصل احتیاط در دماء در مسئله سقط درمانی حاکم خواهد بود.

با توجه به نقد و ابرام‌های وارده بر ادله نظریه فوق، برای اثبات این نظریه چند دلیل معتبر وجود دارد؛ به‌خصوص دلیل آخر که از اعتبار و قوت بالاتری برخوردار است و چند دلیل نیز در حد تأیید قابل ارائه است.

### ۲-۳. نقد نظریه ملاک‌بودن حرج فعلی

برای نظریه عدم اعتبار خوف تحقق حرج و ملاک‌بودن حرج فعلی در قاعده نفی حرج دو دلیل بیان شد که هر دو محل تأمل و بررسی است.

### ۳-۲-۱. نقد ظهور ادله

تردید نیست که ظهور ادله در فعلیت عناوین و شمول اطلاق دلیل متوقف بر صدق موضوع است؛ بنابراین بدون تحقق موضوع، امکان استناد به دلیل وجود نخواهد داشت، ولی این نکته اساساً نافی اعتبار طریقت خوف بر تحقق موضوع نیست، زیرا بیان طریق برای تحقق موضوع، نافی عدم لزوم احراز تحقق آن نیست و چه بسا تأکیدی بر لزوم احراز آن است. بنابراین ادله طریقت خوف موجب توسعه در مفاد ادله نفی حرج شده است.

### ۳-۲-۲. نقد استصحاب عدم تحقق حرج

در این مسئله مهم این است که آیا ادله اعتبار استصحاب شامل استصحاب استقبالی می‌شود، یا خیر. برخی علما جریان استصحاب استقبالی را پذیرفته‌اند (روحانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۱؛ روحانی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۳۵؛ قمی، بی تا، ص ۱۳۶؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۳۹۷). با توجه به اینکه تمام روایات استصحاب برای موارد گذشته صادر شده، به نظر می‌رسد تطبیق روایات استصحاب بر مورد استقبالی مشکل است. البته ممکن است عنوان کلی «عدم نقض یقین با شک لاحق» در موارد استصحاب استقبالی نیز صادق باشد، ولی این تطبیق عرفی نیست و شک در آینده به ذهن متعارف افراد نمی‌رسد؛ بنابراین منصرف از چنین موردی است. برخی بزرگان نیز گرچه چنین دیدگاهی را به صاحب جواهر نسبت داده‌اند، ولی در اعتبار آن تردید دارند (خمینی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۴؛ آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۳۴۹؛ نائینی و عراقی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۴۶) و با توجه به اینکه اصل عدم استقبالی موضوعاً با بسیاری از احکام منافات دارد، اعتبار آن با چالش بیشتری روبه‌رو است، کما اینکه شما در دفاع مشروع که خوف خطر جانی از سوی مهاجم دارید، نمی‌توانید استصحاب را جاری کنید، و گرنه غرض شارع که حفظ نفوس و ممانعت از درافتادن در مشقت جان فرسا است، محقق نخواهد شد. همین مسئله موجب تقدم ادله لاجرح بر استصحاب می‌گردد.

با توجه به اشکالات مطرح شده، این نظریه از ادله استواری برای اثبات بر خوردار نیست.



## نتیجه‌گیری

مسئله مقاله حاضر، جریان یا عدم جریان قاعده حرج در فرض خوف مادر ناظر به تحقق حرج ناشی از ناهنجاری جنین مبتنی بر پژوهش در اعتبار خوف در تحقق حرج در شرع مقدس است. این مطالعه نشان داد که دو دیدگاه عمده در مسئله اعتبار خوف در تحقق حرج وجود دارد؛ یک دیدگاه، تحقق فعلی حرج را ملاک جریان قاعده دانسته و نظریه دیگر خوف حرج را طریقی شرعی برای تحقق حرج خوانده و آن را برای جریان حرج کافی می‌داند و هر یک از آن دو از دلایل درخور توجهی برخوردارند که براین‌دگیری برای رسیدن به دیدگاه منتخب را نیازمند ارزیابی دقیق کرده است.

با وجود تعمیم دلایل روایی بر اعتبار قاعده حرج در فرض خوف، و مؤیدات گوناگونی که در پژوهش حاضر برای آن مطرح شد، نوبت به دلایل عدم اعتبار قاعده نمی‌رسد. توضیح آنکه هیچ‌یک از ادله مطرح برای لزوم فعلیت حرج با وجود ادله دیدگاه مقابل قابلیت اتکا ندارند، زیرا دلیل فعلیت عناوین با وجود ادله روایی مذکور، استظهاری در برابر نصوص محسوب می‌گردد که اتکا به آن، اجتهاد در برابر نص تلقی می‌شود. استصحاب استقبالی عدم تحقق حرج نیز اصل عملی است و صحت استناد به این دلیل با وجود ادله اجتهادی با چالش روبه‌رو است. البته با توجه به اینکه پس از ولوج روح، سقط جنین در حکم قتل است، بنابراین اصل بر احتیاط در دماء است، بنابراین پس از ولوج روح در فرض خوف از حرج ناشی از ناهنجاری در جنین باید احتیاط کرد، ولی قبل از ولوج روح در موارد خوف حرج، قاعده حرج معتبر و موجب رفع تکلیف است و در نتیجه مادر در این فرض مانعی از سقط نخواهد داشت.

## فهرست منابع

۱. آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر. (۱۴۲۶ق). کتاب الزکاة (ج ۲). قم: انتشارات زهیر - کنگره.
۲. آملی، میرزا محمد تقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی (ج ۷، چاپ اول). تهران: مؤلف.
۳. اصفهانی، سید ابوالحسن. (۱۴۲۲ق). وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخميني، چاپ اول). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. اصفهانی، محمد تقی. (۱۴۲۷ق). تبصرة الفقهاء (ج ۲، چاپ اول). قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۵. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية (ج ۱، چاپ اول). قم: نشر الهادي.
۶. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۴، ۱۶، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۹ق). الحاشية على مدارك الأحكام (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (۳۰ جلد، ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۳ق). القواعد الفقهية (چاپ اول). بیروت: مؤسسه امام رضا علیه السلام.
۱۱. حکیم، سید محسن طباطبائی. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۱۲. حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی (۱۴ جلد، ج ۲ و ۴، چاپ اول). قم: مؤسسه دار التفسیر.
۱۳. حکیم، سید محمدسعید. (۱۴۱۵ق). منهاج الصالحین (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار الصفوة.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۵. خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۴۲۱ق). کتاب الطهارة (ج ۲، چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۶. خمینی، سید مصطفی موسوی. (۱۴۱۸ق). الخلل في الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. خوانساری، آقا جمال الدین. (بی تا). التعليقات على الروضة البهیة (چاپ اول). قم: منشورات المدرسة الرضویة.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی (ج ۱، ۱۰، ۱۱ و ۲۳، چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۱۹. روحانی، سید محمد. (۱۴۱۹ق). المرتقی إلى الفقه الأرقی (ج ۱ و ۴، چاپ اول). تهران: دارالجلی.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (ج ۱، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۲۱. سیستانی، سید علی حسینی. (۱۴۱۴ق). قاعدة لا ضرر ولا ضرار (چاپ اول). قم: دفتر آية الله سیستانی.
۲۲. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی. (۱۴۰۲ق). کتاب الحج (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه انصاریان.
۲۳. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح (ج ۷، چاپ اول). قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۲ق). روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۵. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط في اللغة (ج ۲، چاپ اول). بیروت: عالم الكتاب.
۲۶. طباطبایی، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۲ و ۷، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق الف). الخلاف (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق ب). تهذیب الأحکام (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۹. عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام في شرح عبادات شرائع الإسلام (ج ۸، چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۰. عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر ومستدرکاتها (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت.
۳۱. فائزی، محمد؛ نهاوندی، علی. (۱۳۹۹). استفاده عموم و اطلاق از ترک استفصال و ترک استیضاح. مجله پژوهش های اصولی، ۷(۲۴)، صص ۳۲-۹.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسيلة (چاپ اول). تهران: مؤسسه عروج.
۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحکام (ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (ج ۳، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۳۵. فیاض، محمد اسحاق. (بی تا). تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی (ج ۳، چاپ اول). قم: انتشارات محلاتی.
۳۶. قائینی، محمد. (بی تا)، نشست علمی مقاصد شریعت، علل و حکم. بازیابی شده از:

<http://qaeninajafi.ir/17-2017-10-09-16-05-58/html>

www.jf.isca.ac.ir

۳۷. قمی، سید تقی. (۱۴۱۹ق). الغایة القصوی فی التعليق علی العروة الوثقی (چاپ اول). قم: انتشارات محلاتی.
۳۸. قمی، سید تقی. (۱۴۲۳ق). الدلائل فی شرح منتخب المسائل (ج ۱، چاپ اول). قم: کتاب فروشی محلاتی.
۳۹. قمی، سید تقی. (بی تا). ثلاث رسائل (چاپ اول). قم: انتشارات محلاتی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۳، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۱. محقق داماد، سید محمد. (۱۴۰۱ق). کتاب الحج (ج ۱، چاپ اول). قم: چاپخانه مهر.
۴۲. محقق سبزواری، محمدباقر. (۱۴۲۷ق). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق). أحكام النساء (چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۴. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۲ و ۴، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۵. میلانی، سید محمدهادی. (۱۳۹۵). محاضرات فی فقه الإمامیة (ج ۱، چاپ اول). مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی.
۴۶. نائینی، میرزا محمدحسین غروی؛ عراقی، آقازیاء. (۱۴۲۱ق). الرسائل الفقهیة: من تقریرات بحث العلمین الایتین الذائنین و العراقی قدس سرهما (مقرر: ابوالفضل نجم آبادی، چاپ اول). قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۴۷. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۵، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة (ج ۴، ۱۰ و ۱۵، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۴۹. نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر. (۱۴۲۲ق). معتمد الشيعة في أحكام الشريعة (چاپ اول). قم: کنگره بزرگداشت نراقی.
۵۰. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۵۱. همدانی، آقارضا. (۱۴۱۶ق). مصباح الفقيه (ج ۶، چاپ اول). قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث ومؤسسة النشر الإسلامی.
۵۲. یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

## References

1. Ameli, M. (1411 AH). *Madarik Al-Ahkam fi Sharh Ibadat Sharae al-Islam*. (Vol. 8, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Alulbayt Institute. [In Arabic]
2. Amoli, M. M. T. (1380 AH). *Mesbah Al-Hoda fi Sharh al-Urwat al-Wosqa*. (Vol. 7, 1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Mu'alef. [In Arabic]
3. Arizi, A. (1409 AH). *Masa'il Ali bin Jafar va Mustadrikohatoha*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
4. Ashtiani, M. M. (1426 AH). *Kitab Al-Zakah* (Vol. 2). Qom: Zuhair Publications - Congress. [In Arabic]
5. Bahrani ale Asfour, Y. (1405 AH). *Al-Hadaiq al-Nazirah fi Ahkam al-Itrah al-Tahira*. (Vols. 4, 16, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
6. Behbahani, M. B. (1419 AH). *Al-Hashiya Ala Madarik al-Ahkam*. (Vol. 2, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
7. Bojnourdi, S. H. (1419 AH). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Al-Hadi Publishing. [In Arabic]
8. Esfahani, M. T. (1427 AH). *Tabsirat al-Foqaha*. (Vol. 2, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Majma Al-Zakhaer al-Islamiyah. [In Arabic]
9. Esfahani, S. A. (1422 AH). *Wasile al-Najat. (Ma'a Hawashi al-Imam Al-Khomeini, 1<sup>st</sup> ed.)*. Qom: Imam Khomeini's Works Organization and Publishing Institute. [In Arabic]
10. Faezi, M., & Nahavandi, A. (1399 AP). General use and application of leaving impeachment and leaving impeachment. *Usuli Research Journal*, 7(24), pp. 32-9. [In Persian]
11. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ain*. (Vol. 3, 2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
12. Fayaz, M. I. (n.d.). *Ta'aliq Mabsutah ala al-Urwat al-Wothqa*. (Vol. 3, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Mahalati Publications.
13. Fazel Hendi, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham va al-Ibham an Qawa'id al-Ahkam*. (Vol. 5, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]

14. Fazel Lankarani, M. (1419 AH). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasilah*. (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Uruj Institute. [In Arabic]
15. Hakim, S. M. (1410 AH). *Minhaj al-Salehin*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Ta'arof le al-Matbu'at. [In Arabic]
16. Hakim, S. M. S. (1415 AH). *Minhaj al-Salehin*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Safwa. [In Arabic]
17. Hakim, S. M. T. (1416 AH). *Mustamsk al-Urwat al-Wothqa*. (14 vols, Vols. 2, 4, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Tafsir Foundation. [In Arabic]
18. Hamedani, A. (1416 AH). *Misbah al-Faqih*. (Vol. 6, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Mu'asisah Al-Jaafariyah le Ihya al-Torath va Mu'asisah al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
19. Hamiri, A. (1413 AH). *Qorab al-Asnad*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
20. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il Al-Shi'a*. (30 vols, Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
21. Hosseini Shirazi, S. M. (1413 AH). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*. (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Imam Reza Institute. [In Arabic]
22. Johari, I. (1410 AH). *Al-Sahah - Taj al-Lugha va Sahah al-Arabiya*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar Al Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
23. Khansari, Agha J. (n.d.). *Al-Ta'aliqat ala al-Rawda al-Bahiya*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Al-Madrassa al-Razviyyah Publications.
24. Khoei, S. A. (1418 AH). *Encyclopedia of Imam al-Khoei*. (Vols. 1, 10, 11, 21, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Institute for the Revival of Imam Al-Khoei's Works. [In Arabic]
25. Khomeini, S. M. M. (1418 AH). *Al-Khilal fi al-Salah*. Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
26. Khomeini, S. R. M. (1421 AH). *Kitab al-Taharah*. (Vol. 2, 1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
27. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Vol. 3, 4<sup>th</sup> ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
28. Makarem Shirazi, N. (1426 AH). *Ahkam al-Nisa*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Publications



- of Imam Ali Ibn Abi Talib School. [In Arabic]
29. Milani, S. M. H. (1395 AP). *Lectures on Imami jurisprudence*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Mashhad: Ferdowsi University Printing and Publishing Institute. [In Persian]
  30. Mirzaye Qomi, A. (1417 AH). *Qana'im al-Ayam fi Masa'il al-Halal va al-Haram*. (Vols. 2, 4, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Arabic]
  31. Mohaghegh Sabzevari, M. B. (1427 AH). *Dakhira al-Ma'ad fi Sharh al-Irshad*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
  32. Mohagheq Damad, S. M. (1401 AH). *Kitab al-Hajj*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Mehr printing house. [In Arabic]
  33. Naeini, M. M. H., & Eraqi, A. (1421 AH). *Al-Rasa'il al-Fiqhiyyah: Min Taqirirat Bahth al-Alamin al-Ayatain al-Na'ini wa al-Iraqi Quds Sir Homa*. (Najmabadi, A, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Publications of Imam Reza Institute of Islamic Studies. [In Arabic]
  34. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam*. (Vol. 5, 7<sup>th</sup> ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
  35. Naraghi, M. A. (1415 AH). *Mustanad al-Shia fi Al-Ahkam al-Sharia*. (Vols. 4, 10, 15, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: AlulBayt Institute. [In Arabic]
  36. Naraghi, M. M. (1422 AH). *Mutamid al-Shia fi Ahkam al-Sharia*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Naraghi Commemoration Congress. [In Arabic]
  37. Qaini, M. (n.d.), *scientific conference on the purposes of Shariat, causes and rulings*. From: <http://qaeninajafi.ir/17-2017-10-09-16-05-58/html>.
  38. Qomi, S. T. (1419 AH). *Al-Ghaya al-Qasavi fi al-Taleeq al-Urwa al-Wosqa*. (1st ed.). Qom: Mahalati Publications. [In Arabic]
  39. Qomi, S. T. (1423 AH). *Al-Dilael fi Sharh Muntakhab Al-Masa'il*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Mahalati Bookstore. [In Arabic]
  40. Qomi, S. T. (n.d.). *Salas Rasail*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Mahalati Publications.
  41. Rouhani, S. M. (1419 AH). *Al-Murtaqi ila al-Fiqh al-Arqi*. (Vols. 1, 4, 1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Dar al-Jali. [In Arabic]

42. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhadhab al-Ahkam*. (Vol. 1, 4<sup>th</sup> ed.). Qom: Al Manar Institute. [In Arabic]
43. Sahib bin Abad, I. (1414 AH). *Al-Mohit fi al-Luqah*. (Vol. 2, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
44. Shobiri Zanjani, S. M. (1419 AH). *Kitab Nikah*. (Vol. 7, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Rai Pardaz Research Institute. [In Arabic]
45. Shahid Thani, Z. (1402 AH). *Ruz al-Janani fi Sharh Irshad al-Azhan*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Arabic]
46. Shahroudi, S. M. (1402 AH). *Kitab al-Hajj*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Ansarian Institute. [In Arabic]
47. Sistani, S. A. (1414 AH). *Qa'idah la zarar va la zarar*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Office of Ayatollah Sistani. [In Arabic]
48. Tabatabaei, S. A. (1418 AH). *Riyad al-Masa'il*. (Vols. 2, 7, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
49. Tousi, M. (1407a AH). *Al-Khalaf*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
50. Tusi, M. (1407b AH). *Tahdeeb al-Ahkam*. (Vol. 1, 4<sup>th</sup> ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
51. Waseti Zubaydi, S. M. M. (1414 AH). *Taj Al-Arus Min Jawahir Al-Qamoos*. (Vol. 3, 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Fikr le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi. [In Arabic]
52. Yazdi, S. M. K. (1419 AH). *Al-Urwat al-Wothqa*. (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]